

صوحان پناه برده‌اند (بهراني، الکشكول، ۹۹/۱).

در نيمه نخست سده ۲ق/ام، نام بربخی از شخصیت‌های بحرینی چون ابوالید هجری، ولید بن عروة شیبانی و عبدالله بن بکیر هجری در میان اصحاب امامان باقر و صادق(ع) به چشم می‌خورد (برقی، ۲۷۰، کلینی، ۱۶۹/۲؛ ۴۷۵، ۱۴۸؛ ۴۷۹؛ الا خصاص، ۲۷۹؛ شیخ طوسی، رجال، ۱۳۹، ۱۵۱). دستکم دو تن از یاران امام صادق(ع)، مسعم بن عبد‌الملک و حکم بن علباء اسدی را می‌توان یاد کرد که مدتی در بحرین در منصب حکومت بوده، و وجهه شرعی خود را به آن امام(ع) می‌پرداخته‌اند (کلینی، ۴۰۸/۱؛ کشی، ۲۰۰؛ شیخ طوسی، تهذیب...، ۱۳۷/۴).

در سده ۳ق/م از عالمان بحرینی چون محمد بن سهل می‌توان نام برد که با اندیشه‌های امامان شیعه از نزدیک آشنا بوده‌اند (کشی، ۵۰۳؛ ابن بابویه، الخصال، ۲۷۲، الامالی، ۲۰۴)، اما چنین می‌نماید که بسیاری از عامة مردم بحرین با وجود گرایش شدید به تشیع، با تعالیم فرق شیعه و تفاوت‌های آنها ناآشنا بوده‌اند و هم از این روست که تبلیغ فرق گوناگون شیعی در آن دیار قرین موقفيتهای بوده است: آمدن صاحب الزنج، قیام کننده جنجالی با افکار شبه شیعی (در ۲۴۹/ق/۸۶۳) به بحرین و به دست آوردن حمایت جمعی کثیر از مردم آن دیار (طبری، ۴۱۱-۴۱۰/۹)؛ آغاز دعوت قرمطی در بحرین (ح دهه ۲۷۰/ق/۸۸۰) به خصوص توسط ابوبکر ظمامی (قاضی نعمان، ۴۷؛ نیز نک: لویس، ۷۸؛ مادلونگ، ۳۹؛ بلو، ۱۴)؛ آمدن یحیی بن مهدی به بحرین (در ۲۸۱/ق/۸۹۴) و دعوت به پیروی از «مهدی» که از ظهور او سخن می‌گفت (متلانک: ابن اثیر، ۴۹۵-۴۹۳/۹)؛ آغاز دعوت ابوسعید جتابی (در ۲۸۶/ق/۸۹۹) که به پایگیری حکومت دراز مدت قرمطیان در بحرین انجامید. ابوسعید که در سالهای پیشین با یحیی بن مهدی همسراه بود، در گام پسین، مروج مذهب اساعیلی قرمطی گشت (نک: مادلونگ، سراسر مقاله: نیز ه، ۵۴۱/۵، ۴۸۵/۸، ۵۴۱/۵). هاینان در پژوهشی در بحث انگیزه‌های بنیادین سیاست قرمطیان در بحرین پرداخته است.<sup>۱</sup>

دولت قرمطیان تا ۴۷۰/ق در بحرین دوام یافت و این حاکمیت سیاسی که پشتیبان اندیشه‌های قرمطی بود، نمی‌توانست مانع از رواج افکار شیعی امامی در منطقه باشد (برای اشاراتی، نک: ابن حوقل، ۲۵-۲۶؛ مقدسی، ۹۱-۹۰). به هر تقدیر، استیلای قرامطه امامیان بحرین را تا اوخر سده ۵/۱۱م در شرایط محدودیت در دیار خود، و ارزوا از بخشهاي دیگر جهان اسلام قرار داده بود. پس از سقوط قرمطیان و پشت سر گذاarden بحران ناشی از انتقال حکومت، اوضاع برای بیانی محالف امامیه در بحرین مساعد گشت و نخستین نمود آن چهره علمی ابن شریف اکمل بحرانی بود که بربخی آثار متقدمان امامیه را در بحرین نشر داده است (نک: صاحب معالم، ۲۲؛ حر عاملی، ۱۳۲/۲). در طول چند نسل بعد، سلسله عالمان امامی بحرین، با حلقة‌های

در عق/۲۷۰/ع (یا بنابر روایات دیگر، در ۸ق) پیامبر اکرم(ص) علاء ابن عبدالله بن عماد حضرمی را با نامه‌ای مبنی بر دعوت به اسلام یا پرداخت جزیه به سوی هجر و نزد منذر بن ساوی فرستاد. در پاسخ به این دعوت گروهی از مردم بحرین که غالباً از اعراب بودند، ایمان آورند و یهودیان، مسیحیان و زرتشتیانی که بر دین خود ماندند، مطابق قرارداد صلحی که میان آنان و علاء حضرمی نوشته شد، موظف به پرداخت جزیه به حکومت اسلامی شدند (بالذری، ۸۱-۷۸؛ ابن سعد، ۱/۱۹؛ ابن اثیر، ۵۰-۵۱؛ ابن اثیر، ۲۳۰/۲).

ماخذ: ابن اثیر، الكامل، ابن حیب، محمد، المحن، به کوشش ایله لیشن اشتر، حیدرآباد دکن، ۱۳۶۱/ق؛ ابن حزم، علی، جمهور انساب العرب، بیروت، ۱۴۰۳/ق؛ ابن رسته، احمد، الاعلام الفیض، به کوشش دخویه، لین، ۱۸۹۱/م؛ ابن سعد، محمد، کتاب الطبقات الکبیر، به کوشش زاخار، لین، ۱۳۲۲/ق؛ ابن قیبه، عبدالله، المعارف، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، ۱۱۶۰؛ ابو جان عبدالعالک، السیرۃ النبویة، به کوشش مصطفی سقا و دیگران، قاهره، ۱۹۵۰؛ ابو جان ترجیدی، علی، البصائر والذخائر، به کوشش ابراهیم کیلانی، دمشق، ۱۹۶۶؛ ابو دارود سجستانی، سلیمان، من، بد کوشش محمد مجتبی الدین عبدالخیم، بیروت، ۱۹۹۷/م؛ یقهی، احمد، السنن الکبیری، حیدرآباد دکن، ۱۲۵۶/ق؛ تاج‌المرور، جواليقى، موروب، المعرف، به کوشش احمد محمد‌شاکر، قاهره، ۱۳۸۹/ق؛ سعیانی، عبدالکریم، الاتساب، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی معلی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۲/ق؛ شیخ، لویس، الصرائیة و آدابها بین عرب الجاهلیة، بیروت، ۱۹۸۹؛ اصادف‌الدلیل، لیقات‌الام، به کوشش حیا بوعلان، بیروت، ۱۹۸۵/م؛ طبری، تاریخ، علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، ۱۹۷۰/م؛ علی، صالح احمد، محاضرات فی تاریخ العرب، بغداد، ۱۹۶۰/م؛ نجم، عبدالرحمن عبدالکریم، البحرين فی صدرالاسلام و اثره‌ای حركت‌الخارج، بغداد، ۱۹۷۳/م؛ میاقت، بلدان، یعقوبی، تاریخ، بیروت، ۱۳۷۵/ق؛ نیز: ۱۹۵۵/م؛ Glob, P.V. and T.G.Bibby, 'A Forgotten Civilization of the Persian Gulf', *Scientific American*, 1960; *Judaica*, فاطمه لاچورودی

#### IV. فرهنگ و معارف شیعی در بحرین

ریشه گرایشهای شیعی در بحرین به سده نخست هجری باز می‌گردد و نخستین طلیعه‌های آن حضور بربخی از شخصیتها با اصل بحرینی در شماریاران خاص امام علی(ع)، چون رشید هجری (ظاهرآ منسوب به هجر بحرین) و ضعضعة بن صوحان است (برای شواهد، نک: ابن عساکر، ۹۶/۲۴؛ نیز زرکلی، ۲۰۵/۳). این نکته نیز اهمیت دارد که صعصعه به دستور معاویه به بحرین تبعید شد و ظاهراً تا هنگامی که درگذشت (دهه ۵۰/۷۰/ع)، در آنجا می‌زیست (نک: ابن عساکر، همانجا؛ نیز ابن حجر، ۲۰۰/۳). در میان شیعیان بحرین افسانه‌ای ناسازگار با دانسته‌های تاریخی وجود داشت حاکی از آنکه زند بن صوحان (دهه ۴۶/۴۵/ع)، از یاران خاص حضرت علی(ع) به روزگار خلافت امام حسن(ع) به ولایت بحرین منسوب شده بوده، و تا پایان خلافت مروان اول بدون پذیرش حاکمیت امویان در بحرین حکم رانده است؛ بر پایه این افسانه، به هنگام تهاجم عبدالملک به عراق (۶۹۰/م)، رجال شیعی آن دیار به بحرین کوچیده، و به زید بن

1. Hajnal, I., «The Background Motives of the Qarmati Policy in Bahrain», *Arabist: Budapest Studies in Arabic*, 1994, VIII/9-31.

دور شدن فقيهان اصولی از علم منقول از امامان(ع)، با تعبیر «رخت برستن علم» در یادداشت‌های ابازتاب یافته است (نک: قطیفی، «اجازه...»، ۸۵). او در جریان بازاندیشی سیاسی فقيهان امامیه همزمان با آغاز سلسله صفویه، وارد گفت و گویی سخت با همتأی شامی خود محقق کرکی شد که نماد مخالفت با مبانی فکری او بود (نک: همو، «السراج...»، ۲۴۰ بی).

با آنکه گرایش اصولیان در نسلهای پسین در قرن ۱۰ق، رهروانی چون ماجد بن علی بحرانی (نک: حر عاملی، ۲۲۵/۲) و ماجد بن فلاخ بحرانی داشت (ماجد، ۳۲۲ بی؛ مدرسی، ۲۰۷-۲۰۸؛ برای مؤلفانی دیگر، نک: آقابزرگ، ۱۸۵/۱۱، ۲۲۱/۱۲؛ مدرسی، ۲۷۰، ۲۷۳، ۳۳۲)، اما از قرن ۱۱ق، گرایش اخباری در حوزه‌های فقهی بحرین اهمیت پیشتری یافته است. زین الدین علی بن سلیمان بحرانی (د ۱۰۶۴/۱۶۵۴) که به عنوان نخستین نشر دهنده علم حدیث در بلاد بحرین شناخته شده است (نک: بحرانی، لولوة...، ۱۱)، زینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت محدثانی نام‌آور چون سیده‌اشم بحرانی (د ۱۱۰۷/۱۶۹۵) صاحب تفسیر روای البرهان و عبدالله بحرانی (د ۱۱۳۰/۱۷۱۸) صاحب مجموعه بزرگ حدیثی با عنوان عوالم العلوم بود. ظهور شیخ یوسف بحرانی (د ۱۱۸۶/۱۷۷۲) و آثار او به خصوص الحدائیق الناصرة، آغاز جریانی تعديل شده در گرایش اخباری بحرین بود که به «طریقہ وسطی» شهرت گرفت (نک: بلادی، ۲۰۷، بی).

باید یادآور شد که گونه‌ای از مشرب صوفیانه از زمان ابن ابی جمهور احسانی (دح ۱۴۹۹/۹۰۴) در منطقه بحرین پایی گرفته بود (نک: ه د، ۶۳۴/۲) و بقای همین زمینه‌های تصوف در میان شیعیان بحرین در سده‌های پسین بود که تأییف ردیه‌های را از سوی عالمان بحرینی اقتضا می‌کرد (متلاً نک: بحرانی، الکشکول، ۲۲۸/۳ بی؛ نیز آقابزرگ، ۲۵۲/۲۴، ۲۰۴/۱۱؛ کتوری، ۵۸۴؛ درباره افکار خاص شیخ احمد احسانی، نک: ه د، ۶۶۲/۶؛ ردیه‌ای بحرینی بر او، آقابزرگ، ۱۸۲/۱۰).

در زمینه علوم عقلی گفتنی است که در اواسط سده ۱۱ق/۱۷۱۷، موج مباحث کلامی از سوی محمد بن یوسف بحرانی بار دیگر انگیخته شد (حر عاملی، ۳۱۲/۲) و طی یک قرن با کوشش کسانی چون احمد بن محمدبن یوسف خطی (د ۱۱۰۲/۱۶۹۱)، سلیمان بن عبدالله ماحوزی (د ۱۱۲۱/۱۷۰۹) و احمد بن ابراهیم بن عصفور (د ۱۱۳۱/۱۷۱۹) آثار شایان توجهی در زمینه‌های کلام، فلسفه و منطق نگاشته شد. در میان آثار اینان، به خصوص توجه به مسأله «جزء لا يتجزأ» نمودی بارز داشت (نک: همو، ۲۹-۲۸/۲؛ کتوری، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۲۶؛ آقابزرگ، ۸۷/۱، ۵۲۳؛ آقابزرگ، ۱۱/۱۱، ۲۹۱، ۱۰۴/۵، ۲۵۲/۱۱، ۲۸۹، ۲۹۳، ۶۲/۲۱، ۲۰۲-۲۰۱/۱۴).

باید توجه داشت که حملات مکرر اباضیان عمان به بحرین در سده ۱۲ق/۱۷۰م، به خصوص در خلال سالهای ۱۱۳۱-۱۱۳۰ق، ضربات جبران ناپذیری بر حوزه شیعیان وارد ساخت و آسیه‌های جدی نیز به

درس عالمانی چون قوام الدین محمد بن محمد بن بحرانی، ناصر الدین راشد بن ابراهیم، کمال الدین بحرانی (ابن سعاده) دوام یافت که برای تحصیل به حوزه‌های ایران و عراق سفرهایی کرده، و از شیوخی چون سیدفضل الله راوندی بهره جسته بودند (نک: متجب الدین، ۷۷؛ علامه حلی، ۱۱۸، ۲۲۹؛ شهید اول، ۲۹؛ شهید ثانی، ۱۶۲؛ صاحب معالم، ۱۹-۱۸). راشد بن ابراهیم ویش از او بن سعاده و شاگردش جمال الدین علی بن سلیمان که به کلام امامیه اعتنای خاص داشتد، حوزه‌ای را در بحرین پدید آوردند که در تاریخ کلام امامیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (همانجاها؛ نیز نک: حر عاملی، ۱۸۹/۲؛ بحرانی، الکشکول، ۳۰۳/۱). جمال الدین که به فلسفه توجه خاصی داشت، در الاشارات خود به مباحث حکمت نظری نیز پرداخته بود (آقابزرگ، ۹۱/۱۳؛ قس: کتوری، ۴۵). نقطه اوج این حوزه کلامی، در شخصیت کمال الدین ابن میثم بحرانی (دح ۱۲۸۲/۱۲۸۱م) مجلى است که از محفل علی بن سلیمان برآمد و با تألیف آثاری متعدد در کلام، به عنوان یکی از برجسته‌ترین متكلمان امامیه به یاد ماند (نک: ه د، ۷۱۶/۴).

پس از وفته‌ای افزون بر یک قرن در نشاط علمی امامیه، بار دیگر در اوایل سده ۹ق/۱۵م، حوزه‌ای در بحرین پایی گرفت که این بار پیشتر وجهه‌ای فقهی داشت؛ در رأس این حوزه باید از این مؤقف بحرانی (۱۴۱۷/۱۸۲۰م) یاد کرد که تحقیقات مکتب حله را به بحرین منتقل کرد و خود نقش مؤثری در باروری دستاوردهای این مکتب فقهی داشت (نک: مدرسی، ۱۵۱؛ نیز ه د، ۵۷۹/۴)؛ از جمله، باید اشاره کرد که نخستین پدیدآورنده کتابی در آیات الاحکام به دنبال دیدگاه‌های حلیان، همین عالم بحرانی بوده است (نک: داک، ۷۲۲/۱). از دیگر فقیهان هم دوره او باید از زین الدین علی بن حسن خطی (مدرسی، ۲۰۴) و ابن فهد احسانی (همو، ۷۹) یاد کرد. به زودی این حوزه فقهی از نفوذ اجتماعی خاصی نیز برخوردار شد؛ به عنوان نمونه، بازتاب این نفوذ را می‌توان در اقدام مفلح بن حسن صیری (د پس از ۱۸۸۷/۱۴۸۲) به تألیف رساله‌ای در تکفیر ابن قرقور بازیافت. او یکی از اعیان بحرین بود و به سبب «تلائیب» به شرع، مورد تکفیر صیری قرار گرفت (نک: بلادی، آقابزرگ، ۱۵۵/۱۱؛ برای تحقیقات او درباره فقه حلیان، نک: مدرسی، ۱۶۳).

همزمان با پایگیری سلسله صفوی در ایران، از آغاز سده ۱۰ق/۱۶۰م، محافل فقهی بحرین در دو مسیر متفاوت به راه خود ادامه دادند: گروهی از عالمان چون حسین بن علی اوالي (دمیانه سده ۱۰ق)، از شاگردان محقق کرکی (نک: حر عاملی، ۹۷/۲) به شیوه اصولیان حله و اخلاق آنان در جبل عامل پاییند بودند. از این‌رو، مهاجرت شخصیتی چون حسین بن عبد الصمد عاملی (د ۹۸۴/۱۵۷۶م)، می‌توانست به این گرایش قوتی پیشتر بخشد (نک: همو، ۷۴/۱، ۷۵-۷۶/۱؛ بلادی، ۴۵، بی). گروه دوم فقیهانی با رویکرد حدیث گرایانه بودند که افکار آنان با اخباریان حوزه ایران قرابتی بسیار داشت. از آن میان، به خصوص باید ابراهیم بن سلیمان، مشهور به فاضل قطیفی (د پس از ۹۴۵/۱۵۳۸م) را نام برد که

زندگی او در دست نیست. چنانکه از شهرتش بر می‌آید، از مردم واسط و ساکن محله رازان آنجا بوده، و خانه و مسجدش نیز همانجا قرار داشته است (یاقوت، ۱۲۷/۵). در همین دوره محدث دیگری به نام احمد بن عبدالرحمن بن وهب بحشل (د ۲۶۴ق) در مصر زندگی می‌کرده که البته غیر از اسلم بن سهل است (ابن فرضی، ۲۶؛ سبکی، ۱/۱۹۹؛ ذهی، میزان... ۱۱۳/۱).

اسلم بحشل را محدثی ثقه و حافظ و پیشوا در حدیث دانسته‌اند (یاقوت، همانجا). از جمله استادان او در حدیث می‌توان از جد مادریش، وهب بن بقیه، سعید بن زیاد و محمد بن ابی نعیم واسطی یاد کرد (خطیب، ۴۸۸/۱۳؛ ذهی، سیر... ۵۵۳/۱۳). کسانی چون ابوبکر محمد بن سمعان، محمد بن عبدالله بن یوسف و ابراهیم بن یعقوب همدانی از شاگردان او بودند (همانجا؛ یاقوت، ۱۲۸/۵، ۱۲۷/۵). در پیشتر منابع تاریخی وفات وی را ۲۹۱ق و بعضی ۲۸۸ق ذکر کرده‌اند (ذهی، همانجا؛ صندی، ۵۲/۹؛ ابن تغزی بردى، ۱۵۸/۳؛ یاقوت، همانجا).

یگانه اثر بحشل تاریخ واسط است که از کهن‌ترین آثار در نوع خود به شمار می‌رود و سریسله مجموعه آثاری است که با عنوان شهرها به تاریخ فرهنگی آنها پرداخته است. در واقع بحشل در این کتاب به شرح مختصراً از حوادث مربوط به این شهر و توابع آن بسنده کرده (عواد، ۹)، و سپس مانند غالب آثار مشابه همچون تاریخ اصفهان، تاریخ جرجان و... به ذکر رجال علمی و روایی منطقه، اعم از کسانی که در آنجا ساکن بوده، و یا از آنجا عبور کرده‌اند، پرداخته است. ظاهر اینگیزه محدثانی چون بحشل از نگاشتن «تاریخ محلی» احساس نیاز به حفظ نام محدثان و احادیث در برابر جعل، و تعیین موطن راویان بوده است (نک: روزنیال، ۱۶۶-۱۶۷). او همچنین به نقل احادیث آن دسته از

علمایی که از طریق سلسله روات به مؤلف می‌رسیدند، و نیز به ذکر نام محدثان و استادان و شاگردان آنها و نقل چند حدیث از آنها پرداخته است. هدف بحشل از نقل این احادیث نشان دادن مقام علمی و درجه وثوق راویان بوده است (همو، ۱۶۷). از این‌رو، عواد عنوان «تاریخ علماء واسط» را برای کتاب شایسته‌تر دانسته است (همانجا)، اما نویسنده از اصطلاح «قرن» به جای «طبقه» استفاده کرده است.

طبقه اول تاریخ واسط درباره صحایانی است که به شهر واسط آمدند و از پیامبر (ص) حدیث روایت کردند (ص ۴۷ به ۳۰). طبقه دیگر مرسوط به علمای شهر واسط تا سده ۳ق است (ص ۸۵ به ۱۵۱، به ۲۱۸).

ابوالحسن ابن معازلی مورخ سده ۵ق (نک: ه د، ابن معازلی) تکمله‌ای با عنوان *الذیل* علی تاریخ واسط بر کتاب بحشل نوشته بوده است. تاریخ واسط که نسخه ناقصی از آن در قاهره موجود است، در ۱۹۶۷م به کوشش کورکیس عواد در بغداده چاپ رسید.

کتابخانه‌های آنان رساند (نک: بحرانی، الحدائی... ۱۷۲، ۱۷۲، ۱۷۷/۱، ۲۷۷، ۲۷۷، ۲۷۷/۲، ۲۷۷، ۲۷۷/۳). بـلـادـی، ۱۵۲، ۱۶۴، ۱۸۱، ۲۲۷، ۲۲۷/۱، ۴۸۹/۲۵. پـس اـزـ آـنـ نـیـزـ بـحـرـانـیـ بـارـهـ دـرـ گـیرـ آـشـوـبـهـ اـیـ گـوـنـاـگـوـنـ بـودـ (نک: هـموـ، ۳۳۶، ۲۲۷، ۴۵۰، ۴۴۷-۴۵۰، I/423، ۱۲۱۶ق/۱۸۰۱م)؛ ابو حکیمه، ۱۰۹ ff.؛ ویلکینس، ۵۸۴ ff.؛ با این وصف، حوزه امامی بحرین به حیات فرهنگی خود دوام بخشید و عالمانی در زمینه‌های علوم عقلی و نقلی چون حسین بن احمد بن عصافور بحرانی درازی (د ۱۲۱۶ق/۱۸۰۱م) و علی بن عبدالله ستری (د ۱۳۱۹ق/۱۹۰۱م) را پرورش داد (بلادی، ۲۳۶، ۲۰۷، جمه.).

ماخذ: آقابزرگ، الذريعة؛ ابن اثير، الكامل؛ ابن بابويه، محمد، الامالي، قم، ۱۴۱۷ق؛ هو، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ش؛ ابن حجر، احمد، الاصادبة، قاهر، ۱۳۲۸ق؛ ابن حوقل، محمد، سوره الارض، به کوشش کرامرس، لین، ۱۹۳۸م؛ ابن عساکر، علی، تاریخ بدیعت دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، ۱۹۳۹م؛ ابن عساکر، علی، تاریخ بدیعت دمشق، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م؛ الاخصاص، منسوب به شیخ مند، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۲ق؛ بحرانی، يوسف، الحدائی الناصرة، قم، ۱۳۶۳ش؛ هو، المكتکول، بیروت، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م؛ هو، لولوة البحرين، قم، مؤسسه آل الیت؛ برقی، احمد، المحاسن، به کوشش جلال الدین محدث ارمیو، تهران، ۱۳۳۱ش؛ بلادی، علی، انوار البدین، تجف، ۱۳۷۷ق؛ حر عاملی، محمد، امل الامل، به کوشش احمد حسین، بغداد، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م؛ داک، ذرکلی، اعلام؛ شهید اول، محمد، الاربعون حیدیه، قم، ۱۴۰۷ق؛ شهید ثانی، زین الدین، اجازة للشيخ حسین بن عبد الصمد، هراه، ۱۰۵؛ شیخ طوسی، محمد، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خرسان، تجف، ۱۳۷۹ق؛ هو، رجال، به کوشش محمد صادق آل بحرالعلوم، تجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ صاحب مقالی، حسن، «الاجازة الكبيرة»، هراه، ۱۰۵؛ بحار الانوار مجلسی، شهید ثانی، زین الدین، «اجازة للشيخ حسین بن عبد الصمد»، هراه، ۱۰۵؛ شیخ طوسی، محمد، تهذیب شهیدتانی، قاضی نیمان، انتشار الدعوة، به کوشش وداد قاضی، بیروت، ۱۹۷۰م؛ قطفی، ابراهیم، «اجازة به خلیفه شاه محمود»، هراه، ۱۰۵؛ بحار الانوار مجلسی (نک: هـ شهیدتانی)؛ هو، «السراج الراوح»، هراه کلمات المحققین، تهران، ۱۳۳۱ش؛ کشی، محمد، معرفة الرجال، اختیار شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، منهـد، ۱۳۴۸ش؛ کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ق؛ کتروری، اعجاز حسین، کشف الحجب و الاستار، کلکه، ۱۳۲۰ق؛ ماجد بن فلاح، «رسالة فی حل الخراج»، هراه کلمات المحققین، تهران، ۱۳۳۲ق؛ مدمرسی طباطبائی، حسین، مفتاح‌الدین ای بر قده شیخده، ترجمه محمد اصفه نکرت، منهـد، ۱۳۶۸ش؛ محمد، احسن التقايسی، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷م؛ متجلب الدین رازی، علی، فهرست، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی، قم، ۱۴۰۴ق/بیزه.

Abu Hakima, A.M., *History of Eastern Arabia*, Beirut, Khayats; Blois, F.de, «The Abu Sa'idis of So-Called Qarmutians of Bahrain», *Proceedings of the Nineteenth Seminar for Arabian Studies*, London, 1986; Lewis, B., *The Origins of Islam*, Cambridge, 1940; Lorimer, J. G., *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, Calcutta, 1915; Madelung, W., «Fatimididen und Bahrainqarämaten, Der Islam», 1958, vol. XXXIV; Modarressi Tabatabai'i, H., *An Introduction to Shi'i Law*, London, 1984; Salil ibn Razik, *History of the Imām and Seyyids of Oman*, tr. and ed. G. P. Badger, London, 1986; Wilkinson, J. C., «Frontier Relationships Between Bahrain and Oman», *Bahrain Through the Ages: the History*, London, 1993.

احمد یاکجی

به تحریره، نک: دریانورده. بـحـشـلـ، اـسلـمـ بـنـ سـهـلـ رـزاـزـ وـاسـطـ (د ۲۸۸ یا ۲۹۲ق/۹۰۱م)؛ مـورـخـ وـحدـثـ وـنوـيـسـنـدـهـ تـارـیـخـ وـاسـطـ . اـطـلاـعـ چـنـدـانـیـ اـزـ